

نابود باد رژیم اسرائیل

برچیده باد حاکمیت حماس

سرنگون باد تشکیلات خودگردان

نگون و نابود باد هر نوع دولت بالای سر

برقرار باد کنگره واحد شوراهای کل کارگران فلسطین، اسرائیل

این روزها همه از تشکیل دو کشور، دو دولت می گویند. سناریونی که کل تناقضات سرمایه داری را بر کرده خود بار دارد. چرا دو کشور؟! دو دولت؟!، چرا یهودی، اسلامی، عبری، عربی؟! مگر این مفاهیم گمراه ساز، سوای تحکیم پایه های قدرت طبقه سرمایه دار، بمباران همسنگری کارگران، بقای استثمار، فرودستی، مسلوب الحقوقی نسلهای متوالی چه نقش دیگری دارند؟! آنچه انسانها را با هم متفق یا متخاصم می سازد نه ملیت، مذهب که وجود اجتماعی آنها است. کارگر یا سرمایه دار بودن، حاکم یا فرودست بودن، از کار خود جدا بودن یا مسلط بر کار دیگران بودن، اینها، این ملاکهای زمخت زمینی هستند که افراد را هم رزم یا دشمن هم می گردانند. تقسیم جهان به دولتها، ملتها، پیروان این یا آن دین یک تقسیم بندی ضد انسانی است که سرمایه داری تقدیس می کند، تا از آن برای ماندگاری خود سود جوید. ملت افسانه ای است که بورژوازی قفل شعور کارگران دنیا کرده است تا آنها را از هم جدا کند، صف پیکار سراسری آنها را متلاشی نماید، کارزار رهانی آفرین متحدشان را به شکست کشاند، مذهب در هر شکل، آسمانی، زمینی، بنیادگرا، نواندیش، راست، چپ، همواره سلاح سمی طبقات مسلط علیه استثمارشوندگان، فرودستان بوده است. در عصر حاضر نیز بدتر از هر دوره دیگر، بمب سرمایه برای کشتار مغزی توده های کارگر است. دولت زیر هر نام، دیکتاتوری، دموکراتیک، سکولار، دینی، فاشیست، لیبرال، نهاد قهر اقتصادی، سیاسی، مدنی، فرهنگی، پلیسی سرمایه علیه کارگران است. اینها حقایق دنیای روزند و پرسش پیش روی هر کارگر و در بحث حاضر ما کارگران اسرائیل، فلسطین آنست که چرا باید به ملیت، مذهب دولت، جرثومه هائی آویزیم که سرمایه داری برای بقای خود و درهم شکستن هر اعتراض ما از آن سود برده و می برد؟! تابوها، رموز هائی که نمایندگان فکری بورژوازی برای حراست از حریم آنها هر روز سناریوی تازه ای ساز می کنند. اگر در قرن نوزدهم، وجود کشور را به جامعه مدنی، ملت سازی را به نژاد، زبان، فرهنگ واحد، دولت آفرینی را به معجزه قانون، قراردادهای اجتماعی، «منافع جهان شمول شهروندان!! قفل می زدند، بعدها، به ویژه با زایش داعشها، طالبانها، بوکوحرام ها از دامان نژاد، زبان، فرهنگ واحد، دکانهای نظرفروشی پیشین را با بازارهای پرتلاطم تئوری پردازی پسین تعویض کردند. زنجیره طویلی از دولت، ملت سازیها سر هم بندی شد، پسامدرن، پسااستعماری، اول دولت بعد ملت، اول ملت بعد دولت، فطرت گرا، سازه انگار، درون زا، برون زا که رسالت کل آنها مهندسی فکر کارگران و جاودانه سازی سرمایه داری بوده است!!.

این نواها ساز شد تا توده کارگر جهان برده مزدی سرمایه داران باقی ماند، مبارزه طبقاتی را ترک گوید، در چرخه تولید سود و نظم اجتماعی سرمایه فسیل شود، عمده سهم طلبی افزون تر بخش های مختلف بورژوازی در تقسیم سهام سود و قدرت گردد، هیزم کوره آدم سوزی دولتها، قطبها شود. چرا باید بر واقعیت های زمخت زمینی چشم فرو بست و باز هم در رکاب نتانیاوها، هنیه ها، عباس ها، بایدن ها، جمهوری اسلامی ها، زلنسکیها، پوتین ها، با هم جنگید؟! فاجعه بارتتر، وحشت انگیزتر از این می توان تصور کرد؟! چرا باید کارگر اسرائیلی شریک هولوکاست آفرینی وحوش حاکم این کشور در فلسطین گردد؟! چرا باید کارگر فلسطینی پشت سر ارتجاع کارگرکش حماس یا تشکیلات پر از

فساد، خودگران علیه همرنج اسرائیلی خود صف بندند؟! مگر نه این است که وجود دولتها، هر نوع دولت بالای سر، در هر کجای جهان گواه سقوط کامل کارگران از کمترین حق دخالت در تعیین سرنوشت زندگی خود است؟ کدام دولت را در کجای کره خاکی سراغ دارید که سیاست ها، طرحها، برنامه ها، کارهایش هیچ ربطی به نیازها، خواستههای عاجل یا آتی توده کارگر داشته باشد؟! واقعیت آنست که هیچ کدامشان از هارترین دیکتاتوریهها تا ارسته ترین دموکراسیهها، سوای سلاخی معاش، آموزش، بهداشت، درمان، مسموم سازی خوراک، پوشاک، هوای تنفسی ما به نفع فزونی سود سرمایه داران، راه اندازی جنگهای تقسیم سود و قدرت، قربانی ساختن میلیون، میلیون نفوس طبقه ما در این جنگها هیچ کار دیگری ندارند؟ دولت اسرائیل از آغاز تا حال مشغول نسل کشی، پاکسازی قومی، کشتار کارگران فلسطینی است، جنایاتی که توسط سایر دولتها، بیش از همه اردوگاه دموکراسی پشتیبانی می گردد. رژیم اسلامی 45 سال است که کارش نسل کشی، پاکسازی قومی، اعدام، شکنجه، زندانی کردن انسانها، سلاخی معاش، درمان، بهداشت، آموزش، محیط زیست آنها و تحمیل وحشیانه ترین شکل آپارتاید جنسی بر دهها میلیون زن است. در انگلیس 90 درصد جمعیت ضد جنگ و خواستار آتش بس فوری هستند، اما دولت و همه احزاب مدعی نمایندگی این 90%!! بر طبل تداوم جنگ و ادامه حمایت از هولوکاست حاکمان اسرائیل در غزه می کوبند. همین وضع در سراسر اروپا، امریکا حاکم است. هیچ کارگر اسرائیلی، فلسطینی، ایرانی، اروپایی، آفریقایی، امریکایی، آسیایی، نه فقط هیچ اشتراک منافع واقعی آگاهانه با هیچ سرمایه دار، هیچ دولت سرمایه، هیچ اپوزیسیون بورژوازی ندارد که رابطه آنها صرفا جدال استثمارشونده با استثمارگر، فرودست با حاکم، سرکوب شونده با سرکوبگر است. کارگر اسرائیلی و فلسطینی هیچ تقابل، اختلاف منافع، تعارضی با هم ندارند در هستی اجتماعی و موجودیت انسانی خود، نیروی از همه لحاظ واحد و متحدی می باشند. همه کارگران دنیا از جمله عرب، عبری، انسانهای فروشنده نیروی کارند از کار خود جدا هستند، از دخالت در تعیین سرنوشت زندگی خود ساقط می باشند. برای هر میزان کاهش گرسنگی مجبور به جنگ علیه طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری هستند. آنها هیچ دلیلی برای هیچ ستیزی علیه هم ندارند.

همزنجیران کارگر اسرائیلی، فلسطینی!

برای لحظه ای به آنچه در بالا تصریح شد فکر کنیم. بنیاد اتحاد انسانی، اجتماعی، طبقاتی خود را با شعور کارگری بکاویم، سرگندیده بورژوازی را از روی تنه خود برداریم و با سر آگاه کارگری جایگزین سازیم اگر چنین کنیم اولین کاری که از کشیدن هر نفس، حیاتی تر می بینیم، قطع فوری جنگ و آزاد سازی تمامی اسیران و گروگانها است. کار بعد از آن به زیرکشیدن وحوش حاکم اسرائیل، حماس، تشکیلات خودگردان از اریکه زمامداری است. گام سوم متشکل ساختن خود در شوراهای محلات، کارخانه ها، کارگاهها، مدارس، بیمارستانها، حمل و نقل، کل مراکز کار، تولید، زندگی در همه مناطق فلسطین، اسرائیل است. چهارمین گام تدارک آگاهانه کنگره سراسری شوراها، با حضور نمایندگان تمامی شوراهای تأسیس شده در سراسر اسرائیل، غزه و کرانه باختری است. کنگره ای متشکل از هزاران کارگر (حداقل یک نفر به نمایندگی از 1000 نفر - تقریبا 8000 نماینده) که افرادش از بطن فرایند گفتگوها، چاره گریها، نقدها، راه حل جوئیهای درون شوراهای محلی انتخاب شده اند، هر کدام، در هر لحظه توسط شورای متبوع قابل عزل هستند، حضور در شوراها نه شغل آنها، که مأموریتی محول به آنان است، در ارتباط مستمر با شوراهای مراکز زندگی و کار هستند، از توان لازم برای برنامه ریزی، سیاست گذاری، تصمیم گیری، تحقق مأموریت های محوله برخوردارند. کنگره ای که نه دولت بلکه نماد برچیده شدن بساط دولت بالای سر است. در پیوند اندامور شورائی با کل توده کارگر، برای جایگزینی ویرانی ها با آبادانی ها می کوشد، کار مورد نیاز جامعه را تعریف می کند، خوراک، پوشاک، مسکن،

وسائل خانه، دارو، درمان، آموزش، آب، برق، گاز، رفاه اجتماعی، نگهداری معلولان و مصدومان را حق اولیه هر انسان اعلام می کند و از سیطره مبادلات کالائی، پولی سرمایه داری خارج می سازد. برای داوطلبانه کردن کار تلاش می نماید، در راه محو جدائی کار فیزیکی از فکری، تولید از سیاست، برنامه ریزی از اجرا گام بر می دارد، به وجود ارتش، پلیس، پارلمان، دستگاههای مخوف امنیتی، اختاپوس موسوم به ساختار قدرت سیاسی پایان می دهد. برای پیشبرد فعالیت ها و مأموریتهایش از هر شکل حمایت و دخالت توده های کارگر دنیا استمداد می جوید. در یک محکمه سراسر شورائی با حضور بیشترین نمایندگان کارگران دنیا تمامی وحوش جنگ افروز را به جرم جنایت جنگی محاکمه می نماید، محو بردگی مزدی را دستور زندگی و مبارزه انسانها می کند، برای استقرار جامعه ای آزاد، بدون دولت، استثمار، بردگی مزدی به همه کوشش ها دست می یازد.

زمین و زمان شرائط روز اسرائیل، فلسطین فریاد می زند که لحظه حاضر از هر لحظه دیگر، برای تحقق این اهداف، انتظارات مهیاتر است. همه کارگران از جنگ خسته اند، از کشتار، نسل کشی، ویرانی، بمباران به ستوه آمده اند، از عمله کشتار و پیاده نظام ارتش سرمایه داران بودن، از گروگان سوداگران سود و قدرت بودن احساس ذلت می کنند، همه کارگران از فلسطینی تا اسرائیلی، در ژرفنای هستی اجتماعی خود خواهان استقرار جامعه ای مرفه، فارغ از استثمار، گرسنگی، فلاکت، زندان، گروگان گیری، جامعه ای متشکل از انسانهای آزاد، آگاه، برابر، دخالتگر نافذ در تصمیم گیری ها، سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها، همه امور مربوط به تعیین سرنوشت کار و زندگی خود هستند. در سطح جهانی، در تمامی کشورها و قاره ها شاهد عظیم ترین موج اعتراض توده های کارگر علیه بربریت ها و جنایات حاکمان اسرائیل می باشیم، پیام کل اعتراضات، اعتصابات، خیزش ها گذاشتن نقطه پایان بر آپارتاید، نابرابریها، جنگ افروزی ها، نسل کشی ها است. گفتمان تشکیل دو دولت نه فقط پاسخ این انتظارات و علاج دردها نیست که بستن سد بر سر راه هر تلاش برای تحقق این امیدها و انتظارات است. کلام آخر اینکه ما آدم های خیالپردازی نیستیم، آنچه ما را از دیگران متمایز می گرداند اتوپیا پردازی نیست، به ژرف ترین، ریشه کاوترین، موشکافانه ترین شکل مقدور همه سنگلاخ ها، سختی ها، سدها، واقعیت ها را می بینیم، تضادهای انفجارآمیز درون هستی سرمایه و ساختار نظم، قدرت، حاکمیت سرمایه داری را هم خوب می شناسیم. وقوف کامل داریم که نه «دو دولت» نسخه پیچی بورژوازی لباس واقعیت می پوشد، نه کنگره واحد شوراهای متحد ما با استقبال گرم توده های همزنجیر مواجه می گردد. تفاوت ماهوی راه حل دیگران با ما در این است که اولی اگر محقق هم گردد، فاجعه ای به سهمگینی همه فاجعه های دیگر آفریده سرمایه داری است که بر کرده کارگر فلسطینی، اسرائیلی بار می شود، دومی اما اگر به اندازه یک خردل هم مورد توجه قرار گیرد بذر روینده ای برای بالیدن، شاخ و برگ کشیدن و سرکشی یک جنبش آگاه، زنده، استوار، رهائی آفرین خواهد بود. اولی تا مغز استخوان ارتجاعی است. دومی رادیکال و ضد سرمایه داری است.

کارگران ضد سرمایه داری

نوامبر 2023